



فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه‌ی اصلی وب سایت مجله:

www.jqe.scu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: 2717-4271

شاپا چاپی: 2008-5850



دانشگاه شهید چمران اهواز

تغییرات ساختاری، قابلیت بنیان‌ها و گونه‌شناسی الگوی رشد اقتصادی در ایران: رهیافت ARDL

مونا امیری*، اسفندیار جهانگرد**، محمد قاسمی‌شده***، سیروس امیدوار****

* دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

** دانشیار اقتصاد، گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

*** استادیار اقتصاد، گروه برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

**** استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله	طیبه‌بندی JEL: P23, P30, O53, O10
تاریخ دریافت:	واژگان کلیدی: تغییرات ساختاری، بنیان‌ها، رشد اقتصادی، ARDL، ایران
تاریخ بازنگری:	
تاریخ پذیرش:	
انتشار آنلاین از تاریخ:	
ارتباط با نویسنده مسئول:	آدرس پستی:
ایمیل: mona.amiri91@gmail.com	ایران، تهران، خیابان شهید بهشتی، نبش احمد قصیر، دانشکده اقتصاد
0000-0003-1189-9720	دانشگاه علامه طباطبائی، کد پستی: ۱۵۱۳۶۱۵۴۱۱

اطلاعات تکمیلی:

این مقاله برگرفته از رساله دکتری مونا امیری در رشته توسعه اقتصادی به راهنمایی دکتر اسفندیار جهانگرد و دکتر محمد قاسمی‌شده در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی است.

قدردانی: از داوران گرامی که با نظرات و پیشنهادهای ارزشمند خود باعث بهبود این مقاله شده‌اند قدرهانی می‌گردد.

تضاد منافع: نویسنده مقاله اعلام می‌کند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافی وجود ندارد.

منابع مالی: نویسنده‌ها هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

چکیده

راهبرد رشد موفقیت‌آمیز در کشورها، بر تلاشی دو جانبه استوار می‌باشد: یک راهبرد کوتاه‌مدت با هدف تحریک رشد و دیگری، راهبرد میان‌مدت تا بلندمدت با هدف حفظ و تداوم بخشیدن به رشد. بنابراین، به‌منظور دستیابی به رشد پایدار و سریع که توسعه‌یافتگی را با خود به همراه دارد، نیاز است تا از یک طرف، انتقال ساختاری (صنعتی‌شدن) در یک کشور نوعی به سرعت انجام شود و از طرف دیگر، سرمایه‌گذاری در بنیان‌ها (سرمایه انسانی و نهادها) به میزان بالایی صورت پذیرد. در این پژوهش، الگوی رشد اقتصادی در ایران در قالب یک مدل ARDL طی سال‌های 1349-1398 مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که نخست، در بلندمدت، تغییرات ساختاری، سرمایه انسانی و شاخص نهادی (بنیان‌ها) نقش مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی ایران داشته‌اند. دوم، الگوی رفتاری تغییرات ساختاری در سال‌هایی که ایران با بحران‌های اقتصادی مواجه نبوده مثبت بوده است. سوم، با توجه به رفتار نوسانی تغییرات ساختاری و بهره‌وری درون‌بخشی، تحرک نیروی کار در ایران از یک بخش به بخش دیگر پرهزینه و مستلزم اخذ تصمیمات بلندمدت بوده است. در نهایت آنکه، از نظر تغییرات ساختاری و بنیان‌ها، رشد اقتصادی در ایران الگوی

ناهمسان و مختلف‌الشکلی را تجربه نموده است. براساس یافته‌های پژوهش، اجرای اصلاحات نهادی، ارتقای کیفی نیروی انسانی و ایجاد بسترهای سیاستی موجب ثبات اقتصاد کلان به‌منظور دستیابی به رشد پایدار اقتصاد ایران پیشنهاد می‌گردد.

ارجاع به مقاله:

امیری، مونا، جهانگرد، اسفندیار، قاسمی ششده، محمد، امیدوار، سیروس. (1402). تغییرات ساختاری، قابلیت بنیان‌ها و گونه‌شناسی الگوی رشد اقتصادی در ایران: رهیافت ARDL. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره (شماره)، ص-ص.

 [10.22055/jqe.2019.26401.1899](https://doi.org/10.22055/jqe.2019.26401.1899)



© 2021 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

پذیرفتن
فایل
انتشار

1- مقدمه

در اقتصاد، نظریات رشد همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده و از همان ابتدای تحلیل اقتصادی در زمان اقتصاددانان کلاسیک، از جایگاه بالایی در مباحث و تحلیل‌ها برخوردار بوده‌اند. مباحث مرتبط با رشد اقتصادی به سؤالاتی از این قبیل پاسخ می‌دهند: چرا درآمد سرانه در برخی از کشورها چندین برابر کشورهای دیگر است؟ چرا برخی از کشورها همچنان فقیر مانده؛ اما در مقابل، برخی دیگر رشد و افزایش مستمر رفاه را تجربه می‌کنند؟ عوامل ایجاد کننده‌ی رشد پایدار در اقتصاد چه هستند و به منظور دستیابی به رفاه چه موانعی باید مرتفع شوند؟ (Diao, McMillan & Rodrik, 2019: 282)

امروزه، دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و بالا، در زمره‌ی مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است و راهبرد رشد موفقیت‌آمیز در کشورها، بر تلاشی دو جانبه استوار می‌باشد: یک راهبرد کوتاه‌مدت با هدف تحریک رشد و دیگری، راهبرد میان‌مدت تا بلندمدت با هدف حفظ و تداوم بخشیدن به رشد (Rodrik, 2018). تحریک و جهش رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت نیازمند اصلاحات معدودی است که فشار چندانی بر ظرفیت نهادهای اقتصادی وارد نمی‌کند و به تعبیر دیگر، کشورها برای شروع رشد نیازی به انجام اصلاحات گسترده نهادهای ندارند. اما در بلندمدت، پایداری رشد اقتصادی دشوارتر از شروع آن بوده و نیازمند ترکیب خردمندانه‌ی از تغییرات ساختاری و بهبود قابلیت بنیان‌ها است (Rodrik, 2018: 17).

در واقع، هرچند تغییرات ساختاری به‌تثانی می‌توانند موتور رشد سریع اقتصادی باشد؛ اما در صورتی‌که از سوی بنیان‌ها پشتیبانی نشوند، رشد حاصله، نامسجم و ناپایدار است و به تدریج تحلیل خواهد رفت (Rodrik, 2013). با نگاهی تاریخی به روند رشد اقتصادی در کشور ایران، ملاحظه می‌شود که اقتصاد ایران به‌رغم وجود ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و توانمندی‌های جامعه نظیر موقعیت جغرافیایی، کشاورزی و معدنی تاکنون نتوانسته از دام رشد پایین اقتصادی رهایی یابد. از طرف دیگر، ساختار اقتصاد و تخصیص منابع نیز به‌گونه‌ای نبوده که رشد اقتصادی پایدار را پدید آورد. به‌عبارت دیگر، با وجود بالا بودن نسبت سرمایه‌گذاری به تولید در اقتصاد ایران، درآمد سرانه نسبت به سال‌های 1352 تفاوت چندانی نداشته است (Jahangard, 2016: 109).

عملکرد اقتصاد ایران نشان‌دهنده نوسان رشد اقتصادی تحت تأثیر درآمد نفت است و کمبود سرمایه‌گذاری فیزیکی عامل مهمی در رشد و توسعه ایران قلمداد نمی‌شود. مقوله رشد و توسعه اقتصادی دارای دو سطح اساسی دستیابی و حفظ است که هر کدام سیاست‌ها و نهادهای خاص خود را می‌طلبند. تجربه کشور ایران نشان می‌دهد که به‌دلیل وجود نفت در برانگیختن رشد اقتصادی تا حدودی در برخی دوره‌ها موفق بوده است، اما در میان‌مدت و بلندمدت با هدف "استمرار و پایدار ساختن" رشد اقتصادی ناموفق عمل کرده است (Jahangard, 2016: 88). در واقع، برخورداری از درآمدهای رایگان نفتی طی یک دوره طولانی، در جامعه‌ای با ساختار نهادی ضعیف و حاکمیت نظام اقتصادی مبتنی بر دسترسی محدود، به دولت‌ها منبع اقتدار مستقل از جامعه مدنی بخشیده به‌گونه‌ای که دولت‌های ایران را از یک دولت حاکمیتی به یک دولت توزیع‌کننده رانت‌ها و منافع حاصل از منابع طبیعی تبدیل کرده است (Zobeiri & Ehsani, 2021: 11).

بنابراین، گونه‌شناسی الگوی رشد اقتصادی به شناخت نقش دو عامل اساسی تغییرات ساختاری و بنیان‌ها در فرآیند تاریخی رشد اقتصادی ایران می‌انجامد. همچنین، بررسی این دو عامل، افق بلندمدت رشد اقتصادی را به تصویر می‌کشد. مطالعات داخلی صورت گرفته در کشور، مؤید آن هستند که ساختار اقتصاد ایران تغییر کرده و تغییرات ساختاری شکل گرفته است (Omidpour, 2013; Ahangari, 2012, Sir, 2016; Vaezizadeh, 2013). اهمیت انجام پژوهش پیش‌رو در آن است که مشخص می‌کند آیا تغییرات ساختاری ایجاد شده در اقتصاد ایران، محرک رشد اقتصادی بوده است؟ همچنین، در کنار تغییرات ساختاری اقتصاد در کشور، نهادها و سرمایه انسانی چه تغییراتی داشته‌اند و آیا به رشد اقتصادی در کشور کمک نموده‌اند؟

جنبه‌ی نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با تلفیق دو مدل نئوکلاسیک و اقتصاد دوگانه، به تحلیل رشد اقتصادی ایران تحت دو فاکتور بنیان‌ها و تغییرات ساختاری می‌پردازد. به عبارت دیگر، این مقاله در نظر دارد تا در چارچوب تعریف شده از توسعه اقتصادی (یعنی تغییر جامعه سنتی و معیشتی به جامعه مدرن و صنعتی) و با بهره‌گیری از ابزار رشد اقتصادی، به تحلیلی از علل و چرایی کم‌رشدی در ایران بپردازد. بنابراین، هدف این مقاله آن است تا ضمن واکاوی رفتار رشد اقتصادی طی دوره 1398-1349 در قالب یک مدل ARDL برای اقتصاد ایران، به تحلیل و بررسی گونه‌شناسی الگوی احتمالی رشد در ایران (با تأکید بر تغییرات ساختاری و بنیان‌ها) بپردازد.

2- چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

در مطالعات علم اقتصاد، دو دیدگاه اساسی در مورد چگونگی دستیابی به رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و مدل‌سازی آن وجود دارد. اولین دیدگاه مربوط به اقتصاد کلان و مدل‌های رشد نئوکلاسیکی است. به‌طور کلی، نظریه‌های نئوکلاسیک با فرضیاتی همچون جایگزینی و پیوستگی برای ایجاد تعدیلات ضروری در عرضه، در طول فرآیند رشد به ساز و کار قیمت متکی هستند. در مدل نئوکلاسیک، تمامی منابع به‌طور هم‌زمان و پیوسته به‌منزله‌ی تنگنایی برای رشد به شمار می‌آیند. (Karshenas, 2013). دیدگاه دیگر، مدل‌سازی رشد بر مبنای تئوری اقتصاد دوگانه است. زمانی‌که یک اقتصاد دوگانه وجود داشته باشد، مسئله‌ی اصلی توسعه‌ی آنی این کشور، چگونگی رشد و گسترش بخش مبادله‌ی مدرن در زمانی است که بخش سنتی کوچک‌تر شود. آرتور لوئیس¹ تحلیلی هوشمندانه از این مسئله را ارائه کرده است (Mir, 1999). در واقع، اولین مدل اقتصاد دوگانه توسط آرتور لوئیس (1954) مطرح شده است. تئوری تغییرات ساختاری لوئیس از اواخر دهه 1950 تا 1980، مبنای تئوریک بسیاری از تحقیقات اقتصاد توسعه بود. این تئوری در تلاش است تا به یک سوال محوری در مورد گذار از اقتصاد کشاورزی سنتی به اقتصاد صنعتی مدرن پاسخ دهد: چگونه می‌توان موجبات تغییرات ساختاری را برای رسیدن به رشد و توسعه فراهم نمود؟

به‌طور کلی، دو دیدگاه اقتصاد کلان و اقتصاد توسعه بی‌امون مدل‌سازی رشد اقتصادی، می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. یکی از روش‌هایی که می‌توان این دو دیدگاه را تلفیق نمود آن است که، مدل نئوکلاسیک رشد را متمرکز بر فرآیند رشد درون بخش‌های² مدرن اقتصادی و مدل اقتصاد دوگانه را متمرکز بر روابط و جریان‌های بین بخش‌های³ اقتصاد در نظر گرفته شود (McMillan, Rodrik, & Sepulveda, 2017). چارچوب نظری به‌کار گرفته در پژوهش حاضر نیز بر همین اساس پایه‌ریزی شده است. با در نظر گرفتن این چارچوب، دو چالش اساسی در مسیر توسعه‌یافتگی کشورها وجود دارد: چالش انتقال ساختاری و چالش ظرفیت بنیان‌ها.

به‌طور کلی، انتقال ساختار می‌تواند سوخت و انرژی رشد اقتصادی سریع را فراهم کند؛ اما، اگر با بنیان‌های اقتصاد حمایت نشود باعث ایجاد رشد اتفاقی می‌شود. به عبارت دیگر، کیفیت نهادها و سطح سرمایه انسانی (قابلیت بنیان‌ها)، سطح درآمد سرانه بلندمدت را رقم می‌زند (Jahangard, 2016). بنابراین، انتقال ساختار به فعالیت‌های مدرن به همراه سرمایه‌گذاری و انباشت در بنیان‌ها (سرمایه انسانی و نهادها) می‌تواند رشد سریع و پایدار را با خود به همراه آورد. شکل 1 انواع مختلف رشد احتمالی اقتصاد را که از ارتباط بین بنیان‌ها و انتقال ساختار حاصل می‌شود، نشان می‌دهد.

¹ Sir Arthur Lewis

² Within-Sector

³ Between-Sector

انتقال ساختار

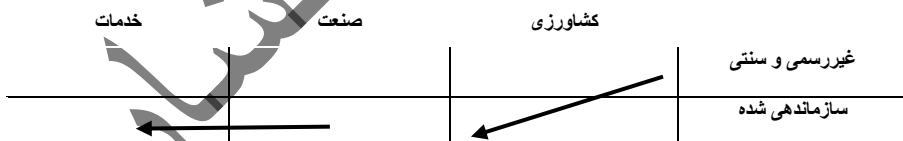
سریع	آهسته		
رشد اتفاقی	بدون رشد	پایین	سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های بنیادی
رشد سریع و پایدار*	رشد آهسته	بالا	

شکل 1. گونه‌شناسی الگوهای احتمالی رشد و نتایج آن
 مأخذ: McMillan & et.al, 2017

Figure 1. Typology of probable growth patterns and their outcome
 Source: McMillan & et.al, 2017

2-1- چالش اول: تغییرات ساختاری

در بسیاری از اقتصادهای در حال گذار، تغییرات ساختاری به‌عنوان بخش مهمی از روند رشد به‌حساب می‌آید (Naveed & Wang, 2023). مهم‌ترین مبنای فرضیه تأثیرگذاری تغییرات ساختاری بر رشد و توسعه اقتصادی آن است که در غیاب هم‌شکلی و هم‌نوایی در بازدهی عوامل در میان بخش‌های اقتصادی، بازتخصیص منابع به بخش‌های دارای بهره‌وری بالاتر، به رشد اقتصادی کمک می‌نماید. نکته حائز اهمیت آن است که انتقال ساختار باید از بخش‌های غیررسمی و سنتی به بخش‌های مدرن و سازمان‌دهی شده حرکت کند تا رشد پایدار اتفاق بیفتد (شکل 2).



شکل 2. الگوی تغییرات ساختاری در کشورهای توسعه‌یافته
 مأخذ: Rodrick, 2016

Figure 2. Pattern of structural changes in developed countries
 Source: Rodrick, 2016

2-2- چالش دوم: انباشت بنیان‌ها

به‌طور مشخص، مقصود از بنیان‌ها، انباشت مهارت‌ها و قابلیت‌های نهادی مورد نیاز جهت ایجاد رشد بهره‌وری پایدار، نه تنها در تعداد معدودی از بخش‌های صنعتی مدرن بلکه در تمامی طیف خدمات و فعالیت‌های غیر قابل معامله می‌باشد. در مطالعات اقتصادی، پیرامون اینکه در ابتدا، کیفیت نهادها (مانند: حکمرانی، قوانین و محیط کسب و کار) ایجادکننده‌ی سطوح بلندمدت درآمدی هستند و یا سطح سرمایه انسانی (مانند: تحصیلات، مهارت‌ها و آموزش)، بحث و مجادلات فراوانی صورت گرفته است. با این حال می‌توان با تلفیق این دو، در یک مفهوم با عنوان «بنیان‌ها» به تمامی این مجادلات خاتمه داد و به درک بهتری از رشد اقتصادی نائل گردید (McMillan et al., 2017).

در رهیافت ساختاری، سرمایه انسانی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی و عامل تحریک تغییرات ساختاری در نظر گرفته می‌شود (Justman & Teubal, 1991) و در ایجاد و تکامل فرآیند تخصص اقتصادی کشورها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند (Krishna & Levchenko, 2013). بنابراین، کمبود سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی عامل اصلی نازل بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است و تا زمانی‌که این کشورها آموزش و پرورش، استفاده از علوم و دانش و افزایش سطح مهارت‌های حرفه‌ای را ارتقا نداده‌اند، بازدهی و کارایی نیروی کار و سرمایه در سطح نازلی باقی می‌ماند و رشد اقتصادی با کندی و با هزینه‌های سنگین‌تر صورت می‌گیرد (Taghavi & Mohammadi, 2006). به‌طور کلی، سرمایه انسانی از طریق دو مکانیزم اساسی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد: اولاً سرمایه انسانی به‌صورت مستقیم بهره‌وری تولید را افزایش می‌دهد. از این‌رو، انباشت سرمایه انسانی باعث رشد تولید می‌شود. ثانیاً، سرمایه انسانی باعث پیشرفت فنی می‌گردد. لذا رشد بهره‌وری را ارتقا می‌دهد (که به‌صورت غیرمستقیم رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد) (Teixeira & Queiros, 2016).

با ورود عامل سرمایه انسانی به مدل‌های رشد اقتصادی، توضیح‌دهندگی آن‌ها بیشتر شد و علت تفاوت در آمد سرانه کشورها توجیه‌پذیرتر گردید. اما همچنان مشکلاتی نیز وجود داشت. به‌عنوان نمونه، در مدل رشد رومر (1990)، تخصیص منابع بیشتر به نوآوری، یک کشور را مره می‌کند؛ اما چرایی این امر را توضیح نمی‌دهد. از این‌رو، نگاه‌ها به سوی نهادها جلب گردید (Tayebnia & Nikonsabati, 2013). استفاده از مفهوم نهاد، قدمتی بسیار طولانی دارد و حداقل برای اولین بار توسط گیامباتیستا ویکو¹ (1725) در کتاب ساینزا نووا² مورد استفاده قرار گرفت (Motevaseli, Samieenasab, & Nikoonesbati, 2016). یکی از اندیشمندان که در زمینه نهادها و تأثیر آن بر عملکرد اقتصادی، مطالعات فراوانی را به خود اختصاص داده است، داگلاس نورث است. وی در صفحه 19 از کتاب «نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی»، نهادها را به شرح زیر تعریف می‌کند:

«نهادها قوانین بازی در جامعه هستند؛ یا به‌عبارتی سنجیده‌تر، قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه، نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند، چه اقتصادی و چه اجتماعی. تغییرات نهادی، مسیر تحول جوامع بشری در طول تاریخ را مشخص می‌کنند و بنابراین، کلید فهم تغییرات تاریخی محسوب می‌شوند. از طرف دیگر، عملکرد متفاوت اقتصادها در طول زمان، اساساً متأثر از تغییر و تحول نهادها است.»

¹ Giambattista Vico

² Scienza Nuova

3-2- پیشینه پژوهش

دیانو و همکاران (2019)، با رویکرد ساختاری به بررسی رشد اقتصادی تجربه شده در اقتصادهای در حال توسعه پرداخته‌اند. آن‌ها با بسط یک مدل تعادل عمومی برای یک اقتصاد دوبخشی (بخش مدرن و بخش سنتی)، به این نتیجه رسیدند که توسعه بخش مدرن در اثر شوک مثبت بهره‌وری موجب جذب نیروی کار به بخش‌های اقتصادی کمتر مولد می‌شود (Diao et al., 2019).

مونتفورت (2020)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تغییر ساختاری، فرضیه کشش و رانش 1 و بازار نیروی کار اسپانیا» از یک مدل تعادل عمومی برای بررسی انتقال ساختاری در بازار نیروی کار غیرکشاورزی استفاده نموده است. در این مدل، با استفاده از رهیافت حسابداری رشد، بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP) به عنوان محرک اصلی مؤلفه تغییرات ساختاری محسوب شده است. مدل مذکور با استفاده از داده‌های اقتصادی اسپانیا پس از جنگ و گذار آن از دیکتاتوری به دموکراسی کالیبره شده است. براساس نتایج پژوهش، محرک اصلی رشد اقتصادی، افزایش و بهبود بهره‌وری است. همچنین، تغییرات نهادی در بازار کار عمدتاً تحت تأثیر بازار است و تنها اثر ملایمی بر تغییر ساختاری دارد (Monteforte, 2020). ژو و همکاران (2021)، نقش نوآوری‌های فناورانه و تغییرات ساختاری در رشد اقتصادی چین را طی بازه زمانی سال‌های 2000 تا 2014 با استفاده از یک مدل اقتصاد سنجی غیرخطی، مورد بررسی قرار داده‌اند. از منظر ملی، یک رابطه U شکل معکوس بین پیشرفت تکنولوژیکی و رشد اقتصادی وجود دارد که نیاز به تغییر رویکرد پیشرفت تکنولوژیکی از تقلید به نوآوری را آشکار می‌کند. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که به محض رسیدن به نقطه عطف، بهبود ساختارها، رشد اقتصادی چین را تحریک می‌کند (Zhou, Cai, Kim, Zhang, Du, & Song, 2021).

عمر شهزاد و همکاران (2022)، به نقش عامل تغییرات ساختاری در ایجاد رشد پایدار اقتصادهای توسعه‌یافته پرداخته‌اند. پیچیدگی اقتصادی، کیفیت محصول صادراتی و شاخص‌های نهادی نشان‌دهنده تغییر و تحول ساختاری کلی در یک اقتصاد است. نتایج مطالعه‌ی آنان نشان داده است که کیفیت صادرات و توسعه مالی تأثیر مثبت و قابل توجهی بر رشد اقتصادی در بلندمدت دارد (Shahzad, Madaleno, Dagar, Ghosh, & Dogan, 2022).

امجد نوید و کونگ وانگ (2023)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «نوآوری و رشد بهره‌وری نیروی کار با لحاظ تعدیل تغییرات ساختاری: تجزیه و تحلیل در یک چشم‌انداز جهانی» به این نتیجه دست یافتند که اثر نوآوری بر تغییر ساختاری، بهره‌وری وزنی و بهره‌وری متوسط مثبت است. میزان اثر مثبت نوآوری بسته به فازهای تغییر ساختاری و سطوح درآمدی متفاوت است (Naveed & Wang, 2023).

در ادبیات تجربی داخلی اقتصاد ایران مطالعات متعددی پیرامون عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی صورت پذیرفته است. اهنگری و خرمزاده (۱۳۹۱)، در مقاله‌ی خود با استفاده از روش اقتصاد سنجی ARDL، به بررسی اثر تغییرات ساختار اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی ایران پرداخته‌اند. نتایج حاصله از مطالعه آنان حکایت از آن دارد که از بین سه متغیر ساختاری (تولید، صادرات و بهره‌وری نیروی کار)، افزایش نسبت بهره‌وری بخش صنعت و معدن به بخش کشاورزی در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر مثبتی بر رشد اقتصادی کشور داشته است. اما به دلیل تسلط شدید درآمد نفتی بر تحولات صنعتی در اقتصاد ایران، تغییرات ساختاری از کانال افزایش سهم بخش صنعت و معدن در GDP و صادرات کل، بر رشد اقتصادی کشور تأثیر منفی داشته است (Ahangari & Khoramzadeh, 2012).

جهانگرد (1395)، ضمن تأکید بر آنکه بررسی تحول تخصیص منابع در اقتصاد از مسائل مهم در پرداختن به علل رشد اقتصادی است، به تبیین نقش تخصیص منابع بین‌بخشی در تولید طی دوره 1352 تا 1390 پرداخته است. وی با استفاده از جداول داده-ستانده سال‌های 1352، 1365، 1370، 1380 و 1390

¹The push-pull hypothesis

ملی ایران، نشان داده است که ساختار تخصیص منابع در کشور، از بخش‌های کشاورزی به سمت برخی فعالیت‌های صنعتی و خدماتی سوق یافته است و با کشورهای توسعه یافته و حتی در حال توسعه متفاوت است (Jahangard, 2016).

اسفندیاری و قرنجیک (1397)، به بررسی اثر تغییرات ساختاری بر رشد اقتصادی یازده کشور عضو اوپک در دوره 2001-2015 با استفاده از شاخص دیتریج پرداختند. نتایج حاصل از مطالعه نشان می‌دهد که تغییرات ساختاری در کشورهای عضو اوپک اگرچه اثر معنی‌داری داشته اما نتوانسته رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک را تقویت نماید. به عبارتی تغییر ساختار از طریق طی فرآیندهای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر ایجاد نشده بلکه تحت تاثیر مخارج دولت و درآمدهای نفتی قرار گرفته است (Esfandiari & Koranjik, 2018).

حسینزاده و همکاران (1400)، با رهیافت پانل فضایی، اثر تغییرات ساختاری بر رشد اقتصاد منطقه‌ای را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که رشد و توسعه اقتصادی در یک منطقه می‌تواند هم تحت تاثیر ویژگی‌های خاص درون منطقه (اثرات مستقیم و درون منطقه‌ای) و هم تحت تاثیر ویژگی‌های مناطق اطراف آن منطقه (اثرات سرریزی و بین‌منطقه‌ای) باشد. در نظر نگرفتن ارتباطات بین‌منطقه‌ای و اثرات سرریزی بین منطقه‌ای متغیرها می‌تواند موجب تورش نتایج حاصل از مدل شود (Hosseinzaden, Dadras, & Gharanjik, 2021).

با توجه به موضوعات مطرح شده، یکی از خلأهای پژوهشی در مطالعات داخلی، گونه‌شناسی الگوی رشد اقتصادی باتوجه به دو عامل قابلیت بنیان‌ها و تغییرات ساختاری است. تاکنون مطالعات داخلی و خارجی متعددی پیرامون موضوع رشد اقتصادی، مبنایی و عوامل تاثیرگذار بر آن در کشور صورت گرفته است. جنبه‌ی نوآوری در پژوهش حاضر در آن است که با تلفیق دو مدل نئوکلاسیک و اقتصاد دوگانه، به تحلیل رشد اقتصادی کشور تحت دو فاکتور بنیان‌ها و تغییرات ساختاری می‌پردازد.

3- معرفی مدل

در پژوهش حاضر قصد بر آن است تا برای ترسیم الگوی رشد اقتصادی در ایران از سه متغیر تغییر ساختاری، شاخص نهادی و سرمایه انسانی استفاده شود. روش مورد استفاده در پژوهش علی - تحلیلی است. با توجه به مبنایی نظری و پیشینه تحقیق نقطه شروع، الگوی زیر است:

$$Y = f(FDI, HC, SC, INS) \quad (1)$$

در الگوی فوق، Y تولید ناخالص داخلی، FDI سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، HC سرمایه انسانی، SC تغییرات ساختاری و INS شاخص نهادی است. در قالب یک الگوی تجربی همانند نیکسیرا و کیروس (2016)، شکل لگاریتمی متغیرها به صورت زیر در نظر گرفته شده است:

$$LGDP_t = \alpha_1 + \beta_0 LFDI_t + \beta_1 LHHC_t + \beta_2 LINS_t + \beta_3 LSC_t + \epsilon_t \quad (2)$$

3-1 آمار و اطلاعات

دوره‌ی زمانی مطالعه‌ی حاضر 1349-1398 است و متغیرهای مورد نظر در الگوی فوق به شرح ذیل می‌باشند:

تولید ناخالص داخلی واقعی (GDP): تولید ناخالص داخلی واقعی در دوره‌ی t به قیمت‌های ثابت سال 1390 (میلیارد ریال) است. ارزش پولی تمام کالاها و خدمات نهایی تولید شده به قیمت سال پایه در اقتصاد یک کشور در یک دوره‌ی مالی معین (یکسال) تولید ناخالص داخلی واقعی نامیده می‌شود. آمارهای

سالیانه مربوط به تولید ناخالص داخلی از نماگرهای بانک مرکزی استخراج شده و به قیمت ثابت سال 1390 تبدیل و محاسبه شده‌اند.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI): بر اساس الگوهای کلاسیک، انباشت سرمایه از عوامل مهم رشد اقتصادی می‌باشد. کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی نیازمند انباشت سرمایه می‌باشند. در واقع، کشورهای در حال توسعه دارای محدودیت سرمایه هستند و یکی از منابعی که می‌تواند کمبود انباشت سرمایه در کشورهای در حال توسعه را جبران کند، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی است. از بین انواع مختلف سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلیل مزیت‌هایی مانند انتقال تکنولوژی، ارتباط با بازارهای بین‌المللی، انتقال مهارت‌های مدیریتی و ... منبعی مناسب‌تر برای انباشت سرمایه و به دنبال آن، ارتقای رشد اقتصادی می‌باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از سرمایه‌گذاری که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان‌دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور بر واحدهای اقتصادی مقیم کشور دیگر باشد. آمار مرتبط با این متغیر از بانک جهانی استخراج شده است.

سرمایه انسانی (HC): در مطالعات متعدد برای سرمایه انسانی شاخص‌های متعددی در نظر گرفته شده است؛ به عنوان نمونه، دنیسون (1967) سطح تحصیلات و بارو (1991)، نیروی انسانی تحصیلکرده را به عنوان جانشین متغیر سرمایه انسانی استفاده نموده‌اند. در مطالعه حاضر از متوسط سال‌های تحصیل برای این شاخص استفاده خواهد شد که توسط بارو و لی (2010) تدوین شده است. آمار مرتبط با این متغیر از پایگاه آماری اقتصادی بانک مرکزی فدرال رزرو¹ استخراج شده است.

نهادهای (INS): انتخاب شاخص نهادی مناسب برای بررسی تأثیر نهادها بر رشد اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. به منظور سنجش تأثیر ساختار نهادی بر رشد اقتصادی در کشور از اطلاعات مندرج در گزارش شاخص آزادی اقتصادی بنیاد فریتر²، استفاده شده که دربرگیرنده حجم و اندازه دولت، ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به نقدینگی سالم، آزادی تجارت خارجی، قوانین مالی، بازار کار و تجارت است. علت انتخاب شاخص مذکور آن است که دربرگیرنده نهادهای خالق بازار، تنظیم‌کننده بازار، تثبیت‌کننده بازار و مشروعیت‌بخش به بازار است.

تغییرات ساختاری (SC): شاخص تغییر ساختاری که در پژوهش حاضر از آن استفاده می‌گردد، شاخصی است که از سوی مک‌میلان و همکاران در سال 2017 معرفی گردیده است. این شاخص از ترکیب دو جزء تغییرات در بهره‌وری بین بخشی و تغییرات بهره‌وری در سراسر بخش‌های اقتصادی نیروی کار به دست می‌آید و به صورت ذیل تعریف می‌گردد:

$$\Delta P_t = \sum_{i=1}^n \theta_{i,t-k} \Delta p_{i,t} + \sum_{i=1}^n p_{i,t} \Delta \theta_{i,t} \quad (3)$$

در رابطه‌ی فوق، ΔP_t تغییرات در بهره‌وری کل نیروی کار بین زمان t و $t-k$ است. $\theta_{i,t}$ نسبتی از کل نیروی کار شاغل در بخش i و در زمان t ، $p_{i,t}$ بهره‌وری نیروی کار در بخش i و در زمان t می‌باشد. داده‌های مربوط به بهره‌وری با استفاده از تقسیم تولید ناخالص داخلی واقعی به تعداد شاغلین محاسبه شده است. در سمت راست عبارت بالا، اولین جزء $(\sum_{i=1}^n \theta_{i,t-k} \Delta p_{i,t})$ ، تغییرات در بهره‌وری درون‌بخشی³ و دومین جزء $(\sum_{i=1}^n p_{i,t} \Delta \theta_{i,t})$ ، تغییرات ساختاری است. جزء تغییر ساختاری، بیانگر آن است که چه نسبتی از رشد بهره‌وری کل نیروی کار به جابجایی نیروی کار در بخش‌های اقتصادی برمی‌گردد. داده‌های مرتبط با اشتغال برای محاسبه این متغیر از مجموعه سری زمانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و

¹ Federal Reserve Bank

² Fraser Institute

³ Within-sector productivity changes

همچنین، طرح آمارگیری از نیروی کار مرکز آمار ایران و داده‌های مرتبط با تولید ناخالص داخلی، از آمارهای سالیانه بانک مرکزی، اخذ شده است.

4- تحولات اقتصاد ایران

با مروری بر سابقه تاریخی و عملکرد اقتصاد ایران ملاحظه می‌شود که، عایدات نفتی نسبت به کمبود سرمایه‌گذاری فیزیکی، نقش مهم و قابل ملاحظه‌ای در برانگیختن رشد اقتصادی و نوسانات آن داشته است. از این‌رو، اقتصاد ایران در برخی از دوره‌های تاریخی از نظر رشد اقتصادی موفقیت‌آمیز عمل نموده، اما در میان‌مدت و بلندمدت از نظر استمرار و پایدار ساختن رشد اقتصادی ناموفق عمل کرده است (Jahangard, 2016). یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش عملکرد اقتصادی در تجزیه و تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها تولید ناخالص داخلی است. در پژوهش حاضر، به‌منظور ترسیم علل اساسی تحولات رشد اقتصادی در ایران طی دوره مورد بررسی، سال‌های 1334-1398 به شش دوره تقسیم شده است¹. جدول 1. مروری اجمالی بر رشد اقتصادی ایران به تفکیک شش دوره زمانی، 1334-1398⁽¹⁾، مروری کلی بر روند رشد اقتصادی ایران طی این شش دوره دارد.

جدول 1. مروری اجمالی بر رشد اقتصادی ایران به تفکیک شش دوره زمانی، 1334-1398
 مأخذ: خاوری‌نژاد (1388)، بانک مرکزی ج.ا. و محاسبات محقق، زمانی (1392)، کارشناس (1382)، پسران (1985)، هادی‌زنور (1379)، فوران (1386)، جهانگرد (1395)، دژپاسند و رونوی (1390)

Table 1. A brief overview of Iran's economic growth by six time periods, 1334-1398
 Source: Khavari Nejad (2009), Central Bank, Zamani (2001), Karshenas (2013), Pesaran (1985), Hadi Zonur (2000), Foran (2007), Jahangard (2016), Dezhpasand & Reofi (2011)

شرح	انحراف معیار (%) RGDP	میانگین (%) RGDP	دوران‌های اقتصاد ایران
دوران پیش از انقلاب اسلامی			
برنامه‌های عمرانی دوم تا چهارم؛ - ورود 22 برابری سرمایه‌های خارجی به ایران طی ده سال 45-1335 - حمایت بی‌سابقه دولت از بخش خصوصی - بحران اقتصادی طی سال‌های 42-1339 - آغاز دوره گذار همجانبی به اقتصاد سرمایه‌داری در سال 1343	4.6	13.4	دوران توسعه-گرایی و صنعتی شدن (1334-1351)
برنامه عمرانی پنجم؛ - افزایش قیمت نفت در سال 1353 و اتخاذ استراتژی جایگزینی واردات	10	3.1	دوران گذار به انقلاب اسلامی (1352-1357)
دوران پس از انقلاب اسلامی			
سال‌های جنگ تحمیلی؛ - تنش‌های سیاسی با جهان خارج، خروج سرمایه از کشور و عدم تمایل شرکت‌های چند ملیتی نسبت به سرمایه‌گذاری در ایران - جایگزینی استراتژی خودکفایی بر استراتژی جایگزینی واردات - استفاده از تسهیلات بین‌المللی در عین حفظ تعارض سیاسی با جهان خارج (1368-74)	11.7	-2.6	دوران خودکفایی (1358-1367)
- تورم بالای ناشی از استفاده بخش دولتی از تسهیلات بانکی (74-1368) - افزایش بدهی‌های خارجی و توقف سیاست از انساز (77-1375)	4.1	5.1	دوران نوسازی و خصوصی‌گرایی (1368-1383)

¹ لازم به ذکر است که داده‌های مرتبط با حساب‌های ملی در ایران، از سال 1338 و توسط بانک مرکزی ج.ا. منتشر شده است و داده‌های کلان پیش از سال 1338، چندان مورد اعتماد نیستند. با این‌حال، خاوری‌نژاد (1388)، به برآورد تولید ناخالص داخلی ایران طی سال‌های 1285 تا 1337 پرداخته است که در این پژوهش، برای سال‌های پیش از 1338 از آن‌ها استفاده شده است. ضمناً تمامی داده‌های مربوط به ارزش افزوده اقتصادی در سال‌های مورد بررسی به قیمت ثابت سال 1390 تبدیل و محاسبه گردیده است.

شرح	انحراف معیار (%) RGDP	میانگین (%) RGDP	دوران‌های اقتصاد ایران
- محدودیت واردات به دلیل مشکل تراز پرداخت‌ها و کمبود سرمایه در گردش (77-1375)			
- برداشت بیش از اندازه دولت از حساب ذخیره ارزی، رشد بی رویه هزینه‌های دولت و وابستگی زیاد درآمدهای دولت به درآمدهای حاصل از صدور نفت و گاز	2.5	3.7	دوران وفور درآمد نفتی (1384-1390)
- افزایش بی سابقه نقدینگی - افزایش قیمت مسکن - هدفمندسازی یارانه‌ها			
- بروز رکود تورمی، پیامدهای اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، افزایش چندباره نرخ ارز و تشدید تحریم‌های تجاری و مالی بین‌المللی علیه کشور - توافق برجام در سال 1394 پس از دو سال مذاکره با گروه 5+1 - دستیابی به رشد اقتصادی 12.5 درصد در سال 1395 در پی رفع تحریم‌ها و افزایش صادرات نفت - آغاز مجدد تحریم‌ها در سال 1397 و در پی آن، کاهش تولید و صادرات نفت، افزایش نرخ ارز و صعود تورم	6.2	-0.3	دوران فرصت‌ان دست رفته (1391-1398)

5- برآورد مدل و تفسیر نتایج

پیش از انجام آزمون‌های مربوط به آماره استنباطی، جدول مرتبط با برخی از آماره‌های توصیفی ارائه می‌گردد (جدول 2).

جدول 2. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مدل
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 2. Descriptive statistics related to model variables
Source: Research results

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشترین ارزش	کمترین ارزش
LGDP	15.12	15.05	15.75	14.53
LFDI	13.54	19.03	22.33	-19.70
LHC	0.44	0.41	0.90	0.09
LINS	1.58	1.60	1.78	1.33
LSC	0.02	0.02	0.23	-0.13

در ادامه، پس از بررسی پایایی متغیرهای مورد استفاده در مدل، به تشریح چگونگی فرآیند تصریح و تخمین روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرهای مدل پرداخته می‌شود. بررسی مانایی متغیرها یکی از اصول اولیه انجام هر برآوردی است، زیرا اگر داده‌ها نامانای باشند، امکان تشکیل رگرسیون‌های کاذب وجود خواهد داشت. پسران و شین (1995) و پسران و همکاران (2001) نشان دادند استفاده از رویکرد خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی این اجازه را می‌دهد که در مورد سری‌های $I(0)$ و $I(1)$ یا حتی $I(d)$ (که d اعشاری نیست) وجود رابطه بلندمدت را مورد بررسی قرار دهد (Petkov, 2008). متداول‌ترین روش برای آزمون مانایی متغیرهای سری زمانی، استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF) است. جدول 3، نتایج مربوط به آزمون مانایی متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول 3. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر بر روی سطح داده‌ها
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 3. The results of the Dickey-Fuller unit root test on the data level
Source: Research results

نام متغیر	آماره t	Prob	نتیجه آزمون
LGDP	-0.70	0.83	نامانای

نام متغیر	آماره t	Prob	نتیجه آزمون
LFDI	-1.88	0.33	نامانا
LHC	0.70	0.99	نامانا
LINS	-1.87	0.34	نامانا
LSC	-6.88	0.00	مانا

مطابق اطلاعات جدول فوق، متغیر تغییرات ساختاری در سطح مانا است. اما سایر متغیرها نامانا هستند و با یک بار تفاضل گیری مانا می‌شوند (جدول 4). بنابراین، با توجه به اینکه الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) این مزیت را دارد که متغیرهای مانا یا نامانا (از درجه یک) و یا ترکیبی از آن‌ها را در مدل بدون نگرانی از ایجاد رگرسیون کاذب بررسی کند (Pesaran, Shin, & Smith, 2001). بنابراین، شرایط لازم برای برآورد معادله (2) از طریق یک مدل ARDL فراهم است.

جدول 4. نتایج آزمون ریشه واحد دیکی فولر بر روی تفاضل مرتبه اول داده‌ها
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 4. The results of the Dickey-Fuller unit root test on the first-order difference of the data
Source: Research results

نام متغیر	آماره t	Prob	نتیجه آزمون
$\Delta LGDP$	-4.50	0.00	مانا
$\Delta LFDI$	-8.86	0.00	مانا
ΔLHC	-4.21	0.00	مانا
$\Delta LINS$	-3.71	0.00	مانا

پس از حصول اطمینان از عدم وجود متغیرهایی با درجه انباشتگی بیش از یک، نوبت به انجام آزمون هم‌انباشتگی می‌رسد. روش آزمون کرانه‌ها¹، اولین مرحله از روش هم‌انباشتگی ARDL است که فرض H_0 آن عدم وجود رابطه هم‌انباشتگی و فرض مقابل آن رابطه وجود هم‌انباشتگی را نشان می‌دهد. براساس آزمون باند اگر آماره F محاسباتی بزرگتر از کران بالای ارائه شده از سوی پسران و همکاران (2001) باشد، فرض صفر رد می‌شود و اگر کوچکتر از کران پایین باشد، فرض صفر پذیرفته می‌شود و اگر آماره F بین دو کران قرار گیرد، آزمون بی‌نتیجه است. جدول 5، نتایج آزمون هم‌انباشتگی را نشان می‌دهد.

جدول 5. نتایج آزمون کرانه‌ها
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 5. The results of Bound Testing
Source: Research results

مقادیر بحرانی	کران پایین (I(0))	کران بالا (I(1))
10%	2.2	3.09
5%	2.56	3.49
2.5%	2.88	3.87
1%	3.29	4.37
11.62	آماره F	

بر اساس نتایج بدست آمده، فرضیه وجود رابطه هم‌انباشتگی بین متغیرها تأیید می‌گردد و لذا، یک رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها وجود دارد.

¹ Bound Testing

در ادامه، برای آزمون خودهمبستگی از آزمون خودهمبستگی بربوش-گادفری¹ استفاده می‌شود که در آن فرض صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی مرتبه اول و بالاتر را آزمون کرد (Suri, 2011). برای بررسی واریانس ناهمسانی از آزمون ARCH استفاده شده که فرض صفر آن همسانی واریانس است. نتایج این دو آزمون در جدول 6 نشان داده شده است.

جدول 6. نتایج آزمون خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی
مأخذ: نتایج پژوهش

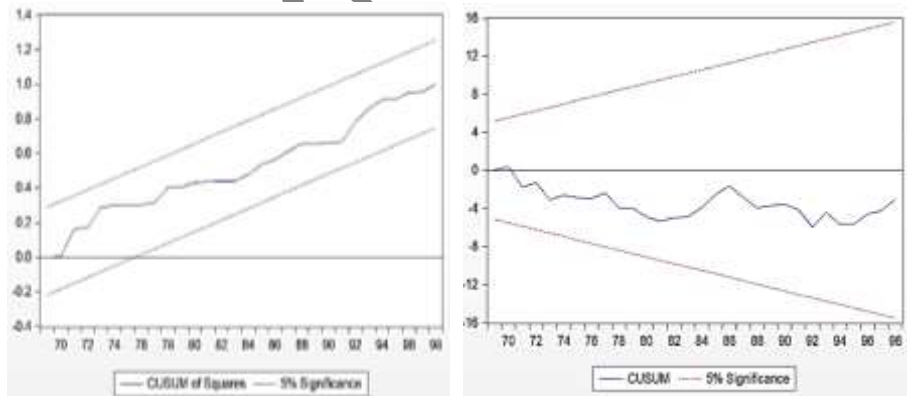
Table 6. Autocorrelation and variance heterogeneity test results

Source: Research results

نتیجه آزمون	Prob (2,28)	آماره F	
عدم وجود خودهمبستگی	0.29	1.27	آزمون خودهمبستگی
نتیجه آزمون	Prob (1,43)	آماره F	
عدم وجود واریانس ناهمسانی	0.58	0.29	آزمون ARCH

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد، در هر دو آزمون، احتمال به‌دست آمده بالای 0.05 است، لذا خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی وجود ندارد.

آخرین آزمون در روش ARDL آزمون ثبات ضرایب است. برای انجام این آزمون از روش CUSUM و CUSUMSQ استفاده شده است. در این آزمون‌ها ثبات پارامترها در سطح معنی‌داری 5 درصد مورد آزمون قرار می‌گیرد. فاصله اطمینان در این آزمون‌ها بین دو خط مستقیم است که سطح اطمینان 95 درصد را نشان می‌دهد. چنانچه آماره آزمون بین این دو خط قرار گیرد، نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر ثبات ضرایب را رد کرد. نتایج این آزمون در شکل 3 نشان داده شده است. براساس این نتایج، ضرایب متغیرها در طول دوره مورد بررسی دارای ثبات است.



شکل 3. نتایج آزمون ثبات پارامترها (آزمون‌های Cusum & Cusums Q)
مأخذ: یافته‌های پژوهش و خروجی نرم‌افزار Eviews 12

¹ Breush-Pagan-Godfrey

Figure 3. Cusum & Cusums Q Tests Results
Source: Research results based on Eviews 12

به‌منظور تخمین مدل در گام اول، باید از طریق یکی از معیارهای تعیین وقفه، تعداد وقفه‌های متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تعیین شود. برای تعیین طول وقفه سه روش وجود دارد: معیار اطلاعاتی آکاییک¹ (AIC)، معیار شوارتز بیزین² (SBC)، معیار حنان کونین³ (HQC). از آنجایی که معیار شوارتز بیزین در تعیین مقدار وقفه‌ها صرفه‌جویی می‌کند، از این معیار برای تعیین طول وقفه بهینه استفاده شده است. همچنین، استفاده از معیار شوارتز بیزین در نمونه‌های کمتر از 100 و برای از دست نرفتن درجه آزادی، توصیه شده است (Tashkini, 2014). جدول 7 طول وقفه بهینه برای متغیر وابسته و متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد.

جدول 7. تعیین طول وقفه بهینه با معیار شوارتز بیزین
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 7. optimal interval length based on Schwarz Bayesian criterion
Source: Research results

نام متغیر	طول وقفه بهینه
LGDP	2
LFDI	4
LHC	0
LINS	2
LSC	3

براساس طول وقفه محاسبه شده برای متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، مدل به‌صورت $ARDL(2,4,0,2,3)$ برآورد می‌گردد. جدول 8، نتایج مربوط به تخمین مدل را نشان می‌دهد.

جدول 8. نتایج تخمین مدل کوتاه‌مدت $ARDL(2,4,0,2,3)$
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 8. The results of short-term model estimation
Source: Research results

نام متغیر	توضیح متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob
LGDP(-1)	وقفه اول لگاریتم تولید ناخالص داخلی	0.84	0.11	7.08	0.00
LGDP(-2)	وقفه دوم لگاریتم تولید ناخالص داخلی	-0.38	0.10	-3.66	0.00
LFDI	لگاریتم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	-0.002	0.0005	-4.87	0.00
LFDI(-1)	وقفه اول لگاریتم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	0.0009	0.0006	1.49	0.14
LFDI(-2)	وقفه دوم لگاریتم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	-1.69	0.0005	-0.03	0.97
LFDI(-3)	وقفه سوم لگاریتم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	0.001	0.0005	1.93	0.06
LFDI(-4)	وقفه چهارم لگاریتم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	0.001	0.00005	2.70	0.01

¹ Akaike

² Schwarz Bayesian

³ Hannan-quinn

نام متغیر	توضیح متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob
LHC	لگاریتم سرمایه انسانی	0.57	0.08	6.98	0.00
LINS	لگاریتم شاخص نهادی	0.42	0.22	1.87	0.07
LINS(-1)	وقفه اول لگاریتم شاخص نهادی	-0.62	0.39	-1.57	0.12
LINS(-2)	وقفه دوم لگاریتم شاخص نهادی	0.66	0.23	2.77	0.00
LSC	لگاریتم تغییرات ساختاری	0.23	0.10	2.17	0.03
LSC(-1)	وقفه اول لگاریتم تغییرات ساختاری	0.08	0.10	0.75	0.45
LSC(-2)	وقفه دوم لگاریتم تغییرات ساختاری	0.39	0.11	3.55	0.00
LSC(-3)	وقفه سوم لگاریتم تغییرات ساختاری	0.36	0.13	2.62	0.01
		$R^2 = 0.99$	$R^2 = 0.98$		

ارتباط نزدیکی بین هم‌انباشتگی و مدل‌های تصحیح خطا وجود دارد. مدل ARDL، معادله را از طریق مدل ECM¹ (مدل تصحیح خطا) نیز برآورد می‌کند. عمدتاً دلیل استفاده از این مدل آن است که نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به معادله تعادلی بلندمدت آن‌ها ارتباط می‌دهد. به عبارت دیگر، در الگوی تصحیح خطا تغییرات متغیر وابسته تابعی از انحراف رابطه تعادلی بلندمدت (که توسط جز تصحیح خطا بیان می‌شود) و تغییرات سایر متغیرهای توضیحی است و ضریب تصحیح خطا سرعت تعدیل به سمت تعادل را نشان می‌دهد و انتظار می‌رود که از نظر علامتی منفی باشد (Nofaresti, 1999). نتایج مربوط به برآورد مدل ECM در جدول 9 گزارش شده است.

جدول 9. نتایج مربوط به مدل ECM
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 9. The results of ECM model estimation
Source: Research results

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob
D(LGDP(-1))	0.38	0.08	4.76	0.00
D(LFDI)	-0.002	0.0004	-5.63	0.00
D(LFDI(-1))	-0.002	0.0005	-4.31	0.00
D(LFDI(-2))	-0.002	0.0005	-4.52	0.00
D(LFDI(-3))	-0.001	0.0004	-3.09	0.004
D(LINS)	0.42	0.18	2.32	0.02
D(LINS(-1))	-0.66	0.19	-3.47	0.001
D(LSC)	0.23	0.08	2.84	0.00
D(LSC(-1))	-0.76	0.13	-5.78	0.00

¹ Error Correction Model

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob
D(LSC(-2))	-0.36	0.11	-3.27	0.00
تصحیح خطا ECM	-0.54	0.05	-9.07	0.00

با توجه به جدول فوق، ضریب جمله تصحیح خطای برآورد شده در سطح اطمینان 95 % معنی‌دار بوده و علامت آن منفی است. این ضریب، سرعت تعدیل الگو از کوتاهمدت به بلندمدت را نشان می‌دهد. بر این اساس، هر سال 0.54 از عدم تعادل یک دوره در مدل در دوره بعد تعدیل می‌شود. نتایج تخمین بلندمدت مدل به صورت جدول 10 است.

جدول 10. نتایج تخمین مدل بلندمدت ARDL(2,4,0,2,3)
مأخذ: نتایج پژوهش

Table 10. The results of long-term model estimation
Source: Research results

نام متغیر	توضیح متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob
LFDI	لگاریتم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	0.0013	0.0017	0.74	0.46
LHC	لگاریتم سرمایه انسانی	1.0674	0.079	13.48	0.00
LINS	لگاریتم شاخص نهادی	0.8637	0.147	5.85	0.00
LSC	لگاریتم تغییرات ساختاری	1.9815	0.48	4.11	0.00
C	عرض از مبدأ	13.2379	0.20	64.35	0.00

5-1 تفسیر مدل

نتایج به دست آمده از تخمین مدل کوتاهمدت ARDL (جدول 8)، مدل ECM (جدول 9) و مدل بلندمدت ARDL (جدول 10)، به شرح ذیل هستند:

- ضرایب مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هم در مدل ARDL و هم ECM منفی و معنی‌دار است. در اکثر مطالعات نظری و تجربی، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی مثبت در نظر گرفته می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از تخمین مدل، رفتار متغیر FDI در اقتصاد ایران، رشد اقتصادی را در کوتاهمدت و بلندمدت، مطابق با مبانی نظری نشان نمی‌دهد. ممکن است یکی از دلایل اصلی آن باشد که به دلیل ساختار اقتصادی ایران، سرمایه‌های خارجی با توجه به مزیت‌های نسبی کشور هدایت نمی‌شوند. به طور کلی، نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حین فرآیند توسعه‌یافتگی بدین صورت است که در ابتدا به عنوان یک عامل تعیین‌کننده مهم رشد محسوب می‌شود و سپس، با کمک به بهبود بهره‌وری عوامل تولید در بخش صادرات و در نهایت از طریق اثرات سرریز 1 - به دلیل تقویت پیوند بین شرکت‌های چند ملیتی (MNC) و شرکای اقتصادی میزبان آن‌ها- بر رشد اقتصادی تأثیر مثبتی بر جای می‌گذارد (Aurangzeb & Stengosb, 2014). در اغلب کشورهای در حال توسعه، بخش توسعه‌یافته (غالباً سرمایه‌بر) در کشور میزبان به شرکت‌های خارجی و بخش توسعه‌یافته (غالباً کاربر) به شرکت‌های داخلی تعلق دارد. بر همین اساس، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند موجب تغییر ساختار و شکل‌گیری اقتصاد دوگانه گردد. این

¹ spillover effects

امر، به‌ویژه در کشورهای نفت‌خیز بیشتر قابل مشاهده است. در کشورهای مذکور، سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز موجب رونق این بخش و عدم توسعه‌یافتگی بخش‌های کشاورزی و تولیدی می‌شود. در واقع، این اثر منفی FDI می‌تواند منجر به اثر بیماری هلندی در کشورهای دارای منابع طبیعی شود. در نتیجه، رقابت‌پذیری کالاهای غیرقابل تجارت در کشور نفت‌خیز افزایش می‌یابد، در حالی‌که همزمان، رقابت‌پذیری کالاهای تولیدی قابل تجارت در بازارهای جهانی کاهش می‌یابد و پتانسیل رشد تولیدات مبتنی بر صادرات را در بلندمدت کاهش می‌دهد. از آنجایی که بخش تولید به عنوان موتور اصلی رشد در نظر گرفته می‌شود، کاهش آن در بلندمدت باعث کاهش رشد اقتصاد کشور مذکور می‌گردد. در اقتصاد ایران، عمده‌ی سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته در بخش نفت و گاز است که دارای پیوندهای پسین و پیشین زیاد نیست. مجموعه‌ی این دلایل منجر به عدم هدایت منابع خارجی به بخش‌های مولد اقتصاد همچون بخش صنعت و کشاورزی شده است. به هر حال سازو کار اثرگذاری سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی ایران می‌تواند موضوع تحقیقات مستقل باشد.

- سرمایه‌انسانی مکمل سرمایه‌فیزیکی است و سهم مهمی از رشد اقتصادی کشورها ناشی از توسعه سرمایه‌انسانی است. ضرایب مربوط به سرمایه‌انسانی در هر دو مدل ARDL و ECM معنی‌دار و مثبت است و نشان می‌دهند که رشد متوسط سال‌های تحصیل و رشد سطح سواد تأثیر مثبتی بر رشد تولید ناخالص داخلی دارد. ضریب مربوط به سرمایه‌انسانی در برآورد بلندمدت بزرگتر از برآورد کوتاهمدت است. علت این امر، آن است که، در مراحل آغازین رشد اقتصادی، توجه به سرمایه‌فیزیکی در اولویت است. اما در بلندمدت برای تداوم و پایداری مسیر رشد اقتصادی، باید به سرمایه‌انسانی توجه نمود. همچنین، اثر تغییرات ساختاری بر رشد تولید ناخالص داخلی هم در مدل ARDL و هم ECM مثبت و معنی‌دار است. لذا، در کنار عوامل سنتی تعیین‌کننده رشد، تغییرات ساختاری نیز موجب افزایش رشد اقتصادی می‌گردد.

- در بلندمدت سرمایه‌انسانی و شاخص نهادی (بنیان‌ها) و همچنین تغییرات ساختاری، اثر مثبت و معنی‌داری بر تولید ناخالص داخلی دارند. در کوتاهمدت، شاخص نهادی اثر معناداری بر تولید ناخالص داخلی ندارد. این امر موید آن است که جهش رشد اقتصادی در کوتاهمدت نیازمند اصلاحات محدودی است که فشار چنانچه بر ظرفیت نهادی اقتصادی وارد نمی‌کند، یا به تعبیر دیگر، برای شروع رشد نیازی به انجام اصلاحات گسترده نهادی نیست؛ لذا در کوتاهمدت تغییرات ساختاری می‌توانند منجر به رشد شوند. اما در بلندمدت، پایداری رشد اقتصادی دشوارتر از شروع آن بوده و نیازمند ترکیب خردمندانه‌ای از تغییرات ساختاری و بهبود قابلیت بنیان‌ها است. شکل 4، روند تغییرات ساختاری را در اقتصاد ایران نشان می‌دهد.

همانطور که در نمودار سمت راست شکل 4 نیز ملاحظه می‌گردد، بالاترین بهره‌وری کل نیروی کار در دوران توسعه‌گرایی و صنعتی شدن رخ داده است. از طرف دیگر، پایین‌ترین بهره‌وری کل در دوران خودکفایی (سال‌های پس از وقوع انقلاب اسلامی و دفاع مقدس) تجربه شده است. در دو دوره «نوسازی و خصوصی‌گرایی» و «دوران وفور درآمد نفتی» تغییرات ساختاری اندکی منفی شده (0.6- درصد)، اما در سایر ادوار مورد بررسی، تغییرات ساختاری همواره نقش مثبت و فزاینده‌ای در بهره‌وری کل اقتصاد داشته است. رفتار بهره‌وری درون‌بخشی در مقایسه با تغییرات ساختاری نامنظم‌تر بوده است. در سه دوره گذار به انقلاب اسلامی، خودکفایی و دوران فرصت از دست رفته که شرایط اقتصادی در کشور با بحران‌های متعددی مواجه بود، بهره‌وری درون‌بخشی منفی بوده است. در مقابل، در دوران‌هایی که وضعیت اقتصادی در کشور بهتر بوده (سه دوره توسعه‌گرایی و صنعتی شدن، نوسازی و خصوصی‌گرایی و وفور درآمدهای نفتی)، بهره‌وری درون‌بخشی مثبت و فزاینده رشد بهره‌وری کل بوده است. به علاوه، در تمامی سال‌ها سهم بهره‌وری درون‌بخشی از بهره‌وری کل نسبت به تغییرات ساختاری بیشتر بوده است.

همچنین، به‌طور کلی بهره‌وری کل از سال‌های 1352 (دوران گذار به انقلاب اسلامی) کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته است. هرچند که بخشی از این کاهش، در دوران نوسازی و خصوصی‌سازی جبران شده است؛ با این حال، هرگز بهره‌وری کل به سطح دوران توسعه‌گرایی و صنعتی شدن بازنگشته است. نمودار سمت چپ شکل 4، نوسانات بهره‌وری درون‌بخشی و تغییرات ساختاری را طی سال‌های 98-1335 نشان می‌دهد. در طی شش دهه‌ی اخیر، بهره‌وری درون‌بخشی آهنگ نامنظم‌تری را نسبت به تغییرات ساختاری داشته است. این امر، به‌خصوص در نیمه‌ی دوم دهه‌ی 50 تا اواخر دهه‌ی 60 به‌خوبی مشهود است. لازم به ذکر است که اغلب تحولات دو جزء تغییرات ساختاری و بهره‌وری درون‌بخشی، در منطقه‌ی مثبت نمودار اتفاق افتاده است. یکی از علل اصلی بهره‌وری درون‌بخشی منفی، پر هزینه بودن تحولات نیروی کار (انعطاف‌ناپذیری بازار کار) است. به عبارت دیگر، در شرایطی که تغییرات تکنولوژیکی در یک جامعه نامشخص است، تغییر شغل از بخشی به بخش دیگر تصمیمی بلندمدت و پرهزینه است؛ چه از سوی کارفرما اتخاذ شود و یا کارگران، خود تصمیم به تعویض شغل گرفته باشند. از سوی دیگر، قوانین سخت و غیرقابل انعطاف در بازار کار (Motevaseli & Ghasemi, 2006)، موجب شده است تا انعطاف‌پذیری بازار کار را برای جذب جوانان و زنان به ویژه در بخش صنعت کاهش دهد.

شکل 4. روند تغییرات ساختاری و بهره‌وری کل درون‌بخشی در اقتصاد ایران

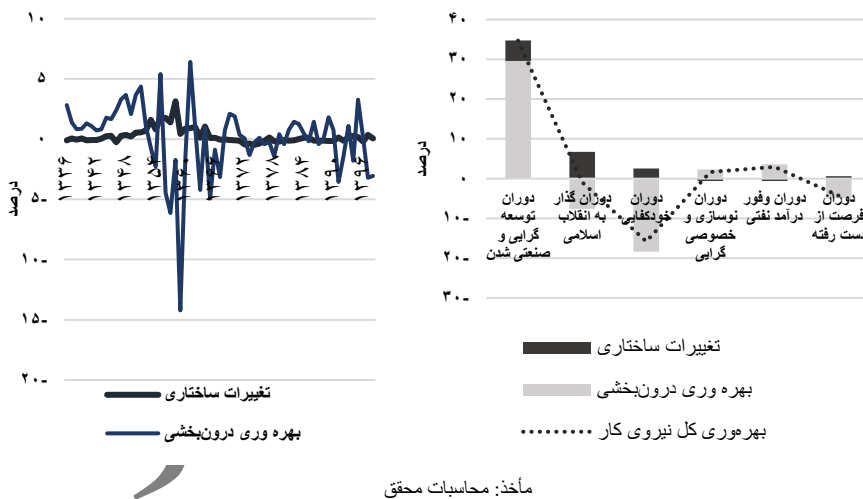


Figure 4. Trend of structural changes and total within-sector productivity in the economy of Iran
 Source: Research results

6- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌منظور دستیابی به رشد پایدار و سریع که توسعه‌یافتگی را با خود به‌همراه دارد، نیاز است تا از یک طرف، انتقال ساختاری (صنعتی‌شدن) در یک کشور نوعی به سرعت انجام شود و از طرف دیگر، سرمایه‌گذاری

در بنیان‌ها (سرمایه انسانی و نهادها) به میزان بالایی صورت پذیرد. هدف از مطالعه حاضر، شناسایی الگوی احتمالی رشد در ایران است.

بر اساس گونه‌شناسی الگوهای رشد، دو متغیر سرمایه انسانی و کیفیت نهادها (هرچند که با سطح درآمد هر کشور همبسته هستند)، به‌تنهایی شاخص قابل اعتمادی از رشد اقتصادی نیستند. همچنین، در مراحل اولیه توسعه، این صنعتی شدن (تغییرات ساختاری) است که محرک رشد اقتصادی می‌باشد. در این مطالعه با به‌کارگیری آزمون کرانه‌ها و روش VECM در مدل‌های خودبازگشتی با وقعه‌های توزیعی، رابطه بلندمدت، مثبت و معنادار بنیان‌ها و تغییرات ساختاری با تولید ناخالص داخلی تأیید گردید.

سرمایه‌گذاری خارجی نقش مثبت و معناداری بر تولید ناخالص داخلی در ایران ندارد که این امر نیازمند بررسی‌های مستقل است. بر اساس نتایج به‌دست آمده از تخمین بلندمدت، اگر تغییرات ساختاری، سرمایه انسانی و شاخص نهادی به‌میزان 1% رشد کنند، تولید ناخالص داخلی را به‌ترتیب به‌میزان 2%، 1.06% و 0.86% افزایش خواهند داد و نقش تغییرات ساختاری در این میان، پررنگ‌تر از سایر عوامل است. همچنین، تحولات تغییرات ساختاری در ایران نوسانی است. از مجموعه این عوامل اینطور برداشت می‌شود که از نظر تغییرات ساختاری و بنیان‌ها، رشد اقتصادی در ایران الگوی ناهمسان و مختلف‌الشکلی را تجربه نموده است.

این تحقیق از نظر اثر بلندمدت تغییرات ساختاری و بنیان‌ها بر رشد اقتصادی با تحقیق تیکسیرا و کیروس (2016) و شیائوکسیائو ژو (2021) همخوانی دارد. همچنین، از نظر تأثیر منفی و معنادار سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی در ایران، با مطالعه صفدری و همکاران (1389) و همچنین، جهانگرد و همکاران (1396) سازگار است.

بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود که اولاً، از آنجایی‌که ثبات اقتصاد کلان از شروط اساسی دستیابی به رشد اقتصادی بالا است؛ لذا، سیاست‌گذاران با اتخاذ و اجرای سیاست‌های پولی و مالی که از نرخ تورم بالا و انباشت بدهی‌های داخلی و خارجی کشورها ممانعت می‌کند، به ثبات اقتصاد کلان کمک نمایند. ثانیاً، لازمه‌ی پایداری و موفقیت در رشد اقتصادی حاصله، اصلاحات نهادی در بخش‌های مختلف اقتصادی است که این مهم می‌تواند از دو مجرا صورت پذیرد: نخست، سیاست‌مداران که قدرت سیاسی رسمی را در اختیار دارند و بر تغییر نهادها اثر می‌گذارند. دوم، اثر مربوط به قدرت سیاسی غیررسمی است که دارندگان آن الزاماً دارای قدرت سیاسی رسمی هم نیستند، اما بر تغییر نهادها اثر می‌گذارند. بر نهایت، ارتقاء سطح کیفی نیروی کار از طریق آموزش‌های ضمن خدمت و افزایش انطباق بین شغل و مهارت نیروی کار به‌منظور افزایش بهره‌وری نیروی کار و رشد پایدار اقتصادی پیشنهاد می‌گردد. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که نقش بهره‌وری کل عوامل تولید، رانش و کشش نیروی کار در بازار کار و اثر آن بر تغییرات ساختاری و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد.

Acknowledgments: Acknowledgments may be made to individuals or institutions that have made an important contribution.

Conflict of Interest: The authors declare no conflict of interest.

Funding: The author(s) received no financial support for the research, authorship, and publication of this article.

Reference

Ahangari, A, Khoramzadeh, A. (2012). Investigation the effect of structural changes on GDP in Iran: With emphasis on product, export and labour productivity. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*,

- 9(1),71-88, Available at: <https://doi.org/10.22055/jqe.2012.10588> [in persian].
- Andersson, M, Palacio Chaverra, A. (2016). Structural Change and Income Inequality – Agricultural development and inter-sectoral dualism in the developing world, 1960-2010. *OASIS: Observatorio de Análisis de los Sistemas Internacionales y Regionales*, (23).
- Andrews, M., Pritchett, L., & Woolcock, M. (2019). Building state capability: Evidence, analysis, action (3rd ed.). (J. Kheirkhahan & M. Doroudi, Trans.). *Roseneh Publications*, [in persian].
- Aurangzeb, Z., & Stengos, T. (2014). The role of foreign direct investment (FDI) in a dualistic growth framework: A smooth coefficient semi-parametric approach. *Borsa Istanbul Review*, 14(3), 133-144.
- Bakhtiari, S., & Yahiyabadi, A. (2013). Analysis of structural changes in employment and investigation of labor transfer between economic sectors of Iran. *Isfahan University Research Journal (Humanities)*, 12(1-2), 55-76. Available at: <http://ensani.ir/fa/article/285087> [in persian].
- Barro, R. (1991). Economic growth in a cross section of countries. *The Quarterly Journal of Economics*, 106(2), 407-443.
- Barro, R., & Lee, J. (2013). A new data set of educational attainment in the world, 1950-2010. *Journal of Development Economics*, 104(C), 184-198.
- Batten, J., & Vo, X.V. (2009). An analysis of the relationship between foreign direct investment and economic growth. *Applied Economics*, 41(13), 1621-1641.
- Central Bank of the Islamic Republic of Iran, Department of Economic Surveys: Summary of developments in the country, 1391-98. Available at: https://cbi.ir/SimpleList/AnnualReview_fa.aspx [in persian].
- Dezhpasand, F., & Raofi, H. (2011). Iran's economy during the imposed war. Second edition. *Sacred Defense Documents and Research Center* [in persian].
- Denison, E. F. (1967). *Why growth rates differ?* Brookings Institution.
- Diao, X., McMillan, M., & Rodrik, D. (2019). The recent growth boom in developing economies: A structural-change perspective. In J.-P. Platteau & R. Pépin (Eds.), *The Palgrave Handbook of Development Economics* (pp. 281-334). Palgrave Macmillan.
- Esfandiari, M., & Koranjik, M. (2018). The role of structural change in stimulating the economic growth of OPEC member countries. *Applied Economics Quarterly*, 8(27), 59- 68, Available at: https://jae.srbiau.ac.ir/article_14061.html, [in persian].

- Foran, J. (2007). Fragile resistance: The history of Iran's social developments from the Safavid period to the years after the Islamic Revolution (7th ed.). (A. Tadaion, Trans.). *Rasa Cultural Services Institute Publications*. [in persian].
- Hadi Zonooz, B. (2000). Trade Strategy And The Development Of Manufacturing Industry In Iran In 1979-1998. *Iranian Journal Of Economic Research*, 2(6), 7-38. Available at: https://ijer.atu.ac.ir/article_3781.html, [in persian].
- Hidalgo, C., Klingler, B., Barabasi, A.L., Hausmann, R. (2007). *The product space conditions the development of nations. Science* 317, 482-487.
- Hosseinzadeh, R., Dadras Moghadam, A., & Gharanjik, M. (2021). The effect of structural changes on regional economic growth: spatial panel approach. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, 18(1), 51-62. doi: [10.22055/jqe.2020.31664.2175](https://doi.org/10.22055/jqe.2020.31664.2175) [in persian].
- Jahangard, E. (2016). Misallocation of resources and economic growth in Iran: An input-output approach. *Iranian Economic Research Quarterly*, (69). Available at: <https://doi.org/10.22054/ijer.2017.7504> [in persian].
- Justman, M., Teubal, M. (1991). A structuralist perspective on the role of technology in economic growth and development. *World Development*, 19 (9), 1167-1183.
- Karshenas, M. (2013). Oil, government and industrialization in Iran. (Y. Haji-Abdolwahab & A.-A. Saeedi, Trans.). *Gam-e-No Publications*, [in persian].
- Khavari-Nejad, A. (2009). Estimate of Iran's gross domestic product 1314-1285 (with revised tables 1315-1337 attached) (1st ed.). *Monetary and Banking Research Institute, J.A. Central Bank*. [in persian].
- Krishna, P., & Levchenko, A.A. (2013). Comparative advantage, complexity, and volatility. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 94, 314-329.
- Marjanovic, V. (2015). Structural changes and structural transformation in a modern development economy, *Economic Themes*, 53(1), 63-82.
- McMillan, M, Rodrik, D, Sepulveda, C. (2017). Structural change, fundamentals and growth: a framework and case studies, *National Bureau of Economic Research, Cambridge, MA 02138*.
- Mir, G. (1999). Basic Topics of Development Economics (Volume 1) (G. Azad (Eramaki), Trans.). Tehran, Iran: *Ney Publishing*, [in persian].
- Motevaseli, M., & Mohammadi, Sh. (1998). Investigating structural changes in the development process: The case of Iran. *Business*

- Research Journal*, (9), Available at: <http://ensani.ir/fa/article/210064>, [in persian].
- Motevaseli, M., Samieenasab, M., & Nikoonsabati, A. (2016). A look at alternative approaches: Institutionalism and the Austrian School (2nd ed.). Tehran, Iran: *Imam Sadiq University*, [in persian].
- Motevaseli, M., & Ghasemi, M. (2006). Evaluation of employment support indicators in Iran. *Journal of Economic Research*, 40(4), Available at: https://jte.ut.ac.ir/article_12452.html, [in persian].
- Moshiri, S., & Eltejaei, E. (2008). The effect of structural changes on the economic growth of newly industrialized countries. *Iran Economic Research Quarterly*, 12(36), 85-113, Available at: https://ijer.atu.ac.ir/article_3567.html, [in persian].
- Monteforte, F. (2020). Structural change, the push-pull hypothesis and the Spanish labor market. *Economic Modelling*, 86, 148-169.
- Naveed, A., & Wang, C. (2023). Innovation and labour productivity growth moderated by structural change: Analysis in a global perspective. *Journal of Technovation*, 119, 102554.
- Nelson, R. R., & Pack, H. (1999). The Asian miracle and modern growth theory. *The Economic Journal*, 109(457), 416-436
- North, D. C. (1998). Institutions, institutional changes and economic performance (M. R. Moini, Trans.). Tehran, Iran: *Planning and Budget Organization Publications*, [in persian].
- Noferesti, M. (1999). The unit root and collectiveness in econometrics (5th ed.). Tehran, Iran: *Rasa Publication*, [in persian].
- Omidpour, S. (2013). Effects of economic structural change on income distribution in Iran: Master's thesis in the field of economic sciences. Ahvaz, Iran: *Shahid Chamran University of Ahvaz*, [in persian].
- Pesaran, M. H. (1985). Economic development and revolutionary upheavals in Iran. London, UK: *Macmillan Press Ltd.*
- Pesaran, M. H., & Shin, Y. (1998). An autoregressive distributed-lag modelling approach to cointegration analysis. *Econometric Society Monographs*, 31, 371-413.
- Pesaran, M. H., Shin, Y., & Smith, R. I. (2001). Bounds testing approaches to the analysis of level relationships. *Journal of Applied Econometrics*, 16(3), 289-326
- Petkov, B. (2008). The labor market and output in the UK – Does Okun's law still stand? Discussion Papers: *Bulgarian National Bank*, 69, 1-45.
- Rodrik, D. (2005). Growth strategies. *Handbook of Economic Growth*, Vol. 1, pp. 967-1014.
- Rodrik, D. (2013). Structural change, fundamentals, and growth: An overview, *Institute for Advanced Study*.

- Rodrik, D. (2016). Is the age of growth miracles over?. *Marie Jahoda Annual Lecture, SPRU, University of Sussex*, February 2016.
- Rodrik, D. (2018). One economics, many recipes: Globalization, institutions, and economic growth (H. Vartabian Kashani, Trans.). Tehran, Iran: *Pik Noor Publications*, [in persian].
- Suri, A. (2011). Advanced econometrics (1st ed.). New Delhi, India: *Cultural Studies Publication*, [in persian].
- Sir, S. (2016). Changes in Iran's economic structure: Input-output analysis. Master's thesis in the field of economic sciences. Mazandaran University, Faculty of Economic and Administrative Sciences, [in persian].
- Shariatfar, A. (2016). The impact of human capital and structural changes on economic growth in Iran. Master's thesis in Economics. Ferdowsi University of Mashhad, *Faculty of Administrative and Economic Sciences*, [in persian].
- Shahzad, U., Madaleno, M., Dagar, V., Ghosh, S., & Doğan, B. (2022). Exploring the role of export product quality and economic complexity for economic progress of developed economies: Does institutional quality matter? *Structural Change and Economic Dynamics*, 62, 40-51.
- Romer, P. M. (1990). Endogenous technological change. *The Journal of Political Economy*, 98(5), S71-S102.
- Syrquin, M. (1988). Patterns of structural change. In H. Chenery & T. Srinivasan (Eds.), *Handbook of Development Economics*, Vol. 1, pp. 203-273. Amsterdam, Netherlands: North Holland.
- Tashkini, A. (2014). Applied econometrics with the help of Microfit (1st ed.). Tehran, Iran: *Noor Alam Publications*. [in persian].
- Tafazoli, F. (2017). The history of economic ideas from Plato to the contemporary period (from 600 BC to 2000 AD) (15th ed.). Tehran, Iran: *Nei Publishing*. [in persian].
- Taghavi, M., Mohammadi, h. (2006). The effect of human capital on economic growth in Iran, *Journal of Economic Research*, 6(22), 15-43, Available at: https://joer.atu.ac.ir/article_3336.html, [in persian].
- Tayebnia, A., & Nikonsabati, A. (2013). Institutions and economic growth. *Planning and Budget Organization Publications*, 18(1), Available at: <http://jpbud.ir/article-1-849-fa.html>, [in persian].
- Teixeira, A., & Queirós, S. (2016). Economic growth, human capital and structural change: A dynamic panel data analysis. *Research Policy*, 45(8), 1636-1648.

- Todaro, M. (1991). Economic development in the third world (G. A. Farjadi, Trans.). Tehran, Iran: *Planning and Budget Organization Publications*, [in persian].
- Vaezizadeh, M. (2013). Studying the Impact of Structural Changes on the Share of Employment in Iran, and Compared it with Selected Countries of the OECD Group. Master's thesis in the field of economic sciences. *Sahid Bahonar University*, [in persian].
- Zamani, R. (2011). Iran's development process investigation in current century base on the social order approach of North, Wallis and Weingast. (Doctoral dissertation). *Allameh Tabatabai University, Faculty of Economics*, Department of Economic Sciences, [in persian].
- Zhou, X., Cai, Z., Kim, H., Zhang, L., Du, J., & Song, M. (2021). Technological innovation and structural change for economic development in China as an emerging market. *Technological Forecasting and Social Change*, 167, 120671.
- Zobeiri, H., & Ehsani, M. (2021). The application of North's theories in explaining the underdevelopment of Iran's economy from a historical perspective. Paper presented at *the 9th International Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran*, Tehran, Iran, March 10, 2022.